

تعیین مناطق شهر- بنیاد در ایران

مطالعه موردی: استان فارس

سمیرا یوسفیان^۱ - کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
وحید مشفق - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه هنر، تهران، ایران
حمید محمدی - استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۱۸

چکیده:

امروزه شهرنشینی منطقه محور به عنوان پدیده‌ای در حال رشد و فراگیر در مباحث برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تجزیه و تحلیل سیستم‌های شهری مطرح است. این پژوهش با هدف ارائه فرایند تعیین مناطق شهر بنیاد، سعی در ارائه گفتمانی واقع‌گرایانه و تبیین روش شناسایی مناطق شهر بنیاد دارد. بر این اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به سئوالات زیر می‌باشد:

۱. چگونه می‌توان مناطق شهر بنیاد را تعیین نمود؟

۲. معیارها و شاخص‌های بومی تعیین مناطق شهر بنیاد کدام‌اند؟

۳. مناطق شهر بنیاد استان فارس کدام‌اند؟

از نظر فلسفه تحقیق، پژوهش شناختی حاضر در زمره پژوهش‌های اثبات‌گرایانه است و در آن از روش تحلیل داده‌های ثانویه برای انجام تحلیل‌ها استفاده شده است. در نهایت با استفاده از شاخص‌های جمعیت شهرها، تراکم جمعیت مناطق، شدت شهری شدن مناطق، تراکم نقاط شهری مناطق، پیوند فیزیکی بین سکونتگاه‌ها، فاصله زمانی میان شهرها، وجود جریان‌های کالایی و مسافر میان شهرها و وابستگی خدماتی شهرها، به تعیین مناطق شهر بنیاد استان فارس پرداخته شده است. بر مبنای این پژوهش، استان فارس دارای یک مجموعه شهری به مرکزیت شهر شیراز و پنج تجمع شهری آباده- اقلید، فسا-چهرم، کازرون-نورآباد، گراش-لار و نیریز-استهبان می‌باشد. بررسی الگوی ساختار فضایی، ساختار ارتباطی و شاخص شدت شهری شدن این مناطق شهر بنیاد نشان می‌دهد که مجموعه شهری شیراز و تجمع شهری لار-گراش نسبت به سایر تجمع‌های شهری از پتانسیل بیشتری برای شکل‌گیری منطقه‌ای کاملاً شهری برخوردارند.

واژگان کلیدی: مناطق شهر- بنیاد، تجمع شهری، مجموعه شهری، منطقه کلانشهری، استان فارس.

۶۵

شماره یازدهم

تابستان ۱۳۹۳

فصلنامه
علمی-پژوهشی

مطالعات
شهری

تعیین مناطق شهر بنیاد در ایران

۱. مقدمه

نظام نوین سازمان‌یابی فضا بیش از پیش از فرایندهای سنتی خود فاصله گرفته است. به گونه‌ای که تنوعی از الگوهای شکل‌گیری مناطق با ویژگی‌ها و الزاماتی کم‌وبیش متفاوت قابل مشاهده است (Baily & Turok, 2001: 679؛ مشفق، ۱۳۹۱: ۳۹). این پدیده را می‌توان حاصل گرایش‌های متأثر از "شهرنشینی-منطقه محور" دانست (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۱). روند فزاینده جهانی شدن، اقتصاد جهانی و فرایندهای بیرونی گسترش اراضی شهری ناشی از کاهش یکنواخت هزینه‌های حمل‌ونقل و توزیع خدمات عمومی سبب شده است تا امروزه تعریف، تبیین و شناسایی انواع مناطق شهر بنیاد به طور فزاینده در ادبیات برنامه‌ریزی منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد (Takatoshi, 1997: 333; zhang, 2013: 193). علت این امر، سطوح تمرکز شهری حاصل تعادل میان نیروهای رو به بیرون^۱ و نیروهای تجمعی^۲ است. این در واقع فرایندی است که در نتیجه آن تمرکز فعالیت‌ها، جمعیت، عملکردها و جریان‌ها اتفاق می‌افتد و با قطبی شدن اجتماعی و پراکندگی فضایی همراه است (Tabuchi, 1998: 333; bloom et al, 2008: 772). ریشه این دست مطالعات و تحقیقات را می‌توان در جریان‌های منتسب به حوزه منطقه‌گرایی کلانشهری که در اوایل قرن بیستم شروع شد، دانست (Henton, 2001: 391; Miller, 2002: 90; Basolo, 2003: 447). به عبارتی می‌توان گفت، نظام نوین سازمان‌یابی مناطق فراتر از طبقه‌بندی سنتی شهر مرکزی و حومه می‌گنجد و نیازمند بازتعریفی واقع‌گرایانه و عملیاتی است. واقع‌گرایانه از این حیث که توجیه‌کننده فرایندهای کنونی و روندهای پیش‌روی نظام‌های منطقه‌ای باشد و عملیاتی از این حیث که قابلیت شناسایی، تحدید و تثبیت نوع مناطق و از آن رهیافت، تعیین شخصیت هر نوع منطقه و برنامه‌ریزی برای آن را موجب شود. پژوهش حاضر قصد دارد با در نظر داشتن هر دو ویژگی واقع‌گرایی و عملیاتی بودن، فرایندی برای شناسایی و تعیین محدوده مناطق شهر بنیاد در مقیاس استانی ارائه نماید. برای این منظور پس از مطالعه ادبیات نظری، اصطلاحات رایج در مورد مناطق شهر بنیاد مورد واکاوی قرار گرفته و سپس با توجه به ویژگی‌های شهرهای استان فارس، نوع مناطق شهر بنیاد ممکن و محتمل استان تشخیص داده شده و تعریفی دقیق از آنها ارائه می‌شود. در نهایت نسبت به شناسایی و تعیین محدوده مناطق شهر بنیاد استان فارس اقدام شده و نتیجه با تقسیمات سیاسی منطبق شده است.

۲. مبانی نظری

مطالعات صورت گرفته در ارتباط با نظام‌یابی سیستم‌های شهری حکایت از این دارد که الگوهای نوین نظام‌یابی مناطق، دیگر با فرایندهای مکان مرکزی کریستالر و الگوهای مبتنی بر مدل سنتی مرکز-پیرامون قابل تفسیر نیست (Krugman, 1991: 483; Taylor, 2010: 283-286). چراکه این انگاره‌ها اساساً قادر به توجیه فضای جریان‌ها شامل جریان‌های اطلاعات، جریان‌های اقتصادی

دوربرد و ... نمی‌باشند. بازتعریفی از فرایندهای شکل‌دهنده به نظام‌یابی سیستم‌های شهری بیانگر وجود دو نوع فرایند در شکل‌گیری سیستم‌های شهری می‌باشند (Taylor, 2007: 2083). روابط میان شهرها با حوزه نفوذشان و روابط خدماتی شهرهای مجاور و یا نزدیک به هم در زمره روابطی قرار می‌گیرند که در مقیاس ناحیه‌ای تعریف می‌شوند. این روابط را می‌توان در تناظر با مدل مکان مرکزی و مدل‌های سلسله‌مراتبی مبتنی بر وابستگی‌های اقتصادی-خدماتی رو به مرکز دانست (Schwanen et al, 2004: 313). نوع دوم روابط، قائل بر روابط شبکه‌ای و بی‌مقیاس میان شهرها و مناطق است. این فرایندها از غالب وابستگی‌های خدماتی خارج شده و بیشتر مبتنی بر رقابت‌پذیری اقتصادی، روابط اقتصادی دوربرد، جریان‌های اطلاعات و روابط مکمل و هم‌افزای مناطق می‌باشند (Meijers, 2007: 247; Batten, 1995: 1; Reggiani & Rietveld, 2010: 319).

تیلور از این رابطه‌ها به ترتیب با عنوان شهر-حومه‌ای^۳ و شهر-منطقه‌ای^۴ یاد می‌کند. گفتنی است یک شهر یا یک منطقه شهری می‌تواند هر دو نوع روابط شهر-حومه‌ای و شهر-منطقه‌ای را دارا باشد. علی‌القاعده، رابطه‌های شهر-حومه‌ای محلی^۵ و در سطوح پایین‌تری از نظامیابی مناطق تأثیرگذار است و رابطه‌های شهر-منطقه‌ای جهانی^۶ و در سطوح فوقانی نظام‌یابی مناطق تأثیرگذار است (زبردست و حاجی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۱۱؛ مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: 281-282; Taylor, 2010: 250; Taylor, 2006: 25).

بر این اساس اشکال مختلف مناطق شهر بنیاد متأثر از فرایندهای فضایی تشریح شده به وجود می‌آید (Novak & Sykora, 2007: 150). به طور کلی می‌توان از سه عامل جمعیت، تعاملات میان شهرها و موقعیت استقرارشان به عنوان فصل مشترک تعاریف مختلف از انواع مناطق شهر بنیاد نام برد. از نظر ساختار فضایی نیز به طور کلی الگوی مناطق را می‌توان حاصل نشست منطقه مورد مطالعه در صفحه مختصاتی با محورهای مختصات "تک هسته‌ای - چند هسته‌ای" و یا "متمرکز - پراکنده" دانست. در نتیجه انواع مناطق شناسایی شده بر اساس فرضیه‌های تمرکز - پراکندگی و تک هسته‌ای - چند هسته‌ای احراز هویت می‌گردند (Meijers & Burger, 2009: 36). جدول ۱ انواع مناطق شهر بنیاد و تعاریفشان را به اختصار نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است، اشتراک مفهومی و یا همپوشانی زیادی میان برخی از مفاهیم دیده می‌شود که عمدتاً ناشی از عوامل زیر می‌باشند:

۱- انتزاعی یا حدسی بودن برخی مفاهیم، بدین ترتیب که برخی مفاهیم ممکن است کمتر عینیت داشته باشند و بیشتر بر اساس پیش‌بینی روندهای کنونی و یا ایده‌پردازی صاحب‌نظران امر خلق شده باشند.

۲- تنوع موضع ظهور این پدیده‌ها، صاحب‌نظران را بر آن می‌دارد که عناوین متعددی را به کار گیرند.

۳- تفاوت و جابجایی‌های زبانی و فنون مختلف ترجمه، تعبیر

3 Town-ness

4 City-ness

5 Local

6 Global

1 Dispersion force

2 Agglomeration force

متفاوتی را شکل می‌دهد. به عبارتی دیگر، گاهی معادلی اصیل برای یک اصطلاح یا واژه در زبان مقصد نمی‌توان یافت. به همین دلیل در سطوح توضیحات جدول ۱، مواردی مشاهده می‌شود که دلالت بر مقیاس‌های مختلفی از سطوح ناحیه‌ای تا منطقه‌ای و حتی کلان منطقه‌ای می‌نماید. همچنین مواردی

می‌توان یافت که الزاماً تعبیر مشخصی از آن ارائه نشده و یا تعابیر متفاوتی از آن ارائه شده است. از این رو برای شناسایی و تعیین محدوده‌های گونه‌های ارائه شده، تفسیر مفاهیم و تدقیق شاخص‌های آنها ضروری می‌نماید.

جدول ۱: اصطلاحات اندام‌شناسی مناطق شهر بنیاد

فرایند نظام‌یابی سیستم	عنوان منطقه شهر بنیاد	توضیحات
شهر-حومه ای (City-ness)	کلانشهر ابرشهر	- مفهومی دوگانه (خرد و کلان) (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Shumsky, 1998). - تراکم شدید مردم و فعالیت‌ها (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: hakim, 2000). - یک شهر مرکزی اصلی و پیرامون و اقمار وابسته آن (کاظمیان، ۱۳۸۳) - نظام متمرکز شهر- حومه ای (کاظمیان، ۱۳۸۳) - ملاک تعیین محدوده کلانشهرها: جمعیت شهر مرکزی و فاصله زمانی پیرامون آن (شکویی، ۱۳۸۵: ۱۹۹؛ اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Caves, 2005) - بالاترین مقیاس شهری
	ناحیه کلانشهری منطقه کلانشهری	- دارای یک شهر یا شهرهای متعدد (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Shumsky, 1998) - یک کل اقتصادی یکپارچه (کاظمیان، ۱۳۸۳) - شهر منطقه (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Dickenson, 1964) - غلبه شهر مرکزی (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳) - تراکم و سفرهای آونگی (صرافی، ۱۳۸۳).
شهر-حومه‌های (City-ness) شهر- منطقه ای (Town-ness)	منظومه شهری مجموعه شهری	- پیوستگی کالبدی یا وجود زمینه‌های پیوستگی کالبدی مناطق - محدوده‌ای دارای شخصیت شهری (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹؛ Geddes, 1915) - یک شهر مرکزی و حداقل دو شهر پیرامونی و نواحی روستایی مابین آن (شورای عالی، ۱۳۸۸: ۱۰۶)
	تجمع شهری	- قلمروهای پیوسته جمعیتی با سطح تراکم مسکونی شهری- یک یا چند شهر بزرگ و تعدادی شهرها و شهرک‌ها و روستاهای کوچک (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Hutchi-son, 2009) - مراحل آغازین شکل‌گیری منطقه عملکردی شهری (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Ibid) - مجموعه‌ای از شهرها (کوچک و متوسط) با مجاورت نسبی (Singh, 2014).
	منطقه شهری عملکردی منطقه شهری چند هسته‌ای شهر- منطقه	- "Functional urban region" - "Daily Urban Area" - "Polynucleated urban re- gion" - "Polycentric urban region" - "Multicore city region" - "City region" - نظام‌های شهری روزانه حاصل تجلی سفرهای روزانه آونگی (Hall, 2001) - فعالیت‌های اقتصادی درون‌زا (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳) - وجود چندین شهر مرکزی در یک ناحیه مشخص (Hall & Pain, 2006) - به لحاظ تاریخی مستقل و به لحاظ سیاسی و اداری وابسته (Pasione, 2001) - عدم غلبه شهر مرکزی (Hall & Pain, 2006) - الگوی توسعه یافته منطقه کلانشهری بدون الزام به وجود کلانشهر در مرکز (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳)
شهر- منطقه ای (Town-ness)	مگالوپلیس (زنجیره شهری)	- بزرگ‌ترین مقیاس فضایی مناطق شهر بنیاد - مجموعه‌ای غیر منفصل از شهرستان‌های کلانشهری (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Pitzl, 2004) - نتیجه هم‌جواری فضایی شهر منطقه‌های کارکردی منفصل (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Parr, 2007; Pasione, 2001) - آستانه جمعیتی چند ده میلیونی (کاظمیان، ۱۳۸۳)
	ابرشهر- منطقه (چند هسته‌ای)	- حاصل توسعه فضایی شهر منطقه‌ها (Hall & Pain, 2006) - پدیده‌ای غالباً آسیایی (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹) - مگالوپلیس آسیایی (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹)
	ابر منطقه	- حاصل پیوند شبکه‌های بزرگی از نواحی کلانشهری (اسدی و زبردست، ۱۳۸۹ به نقل از: Hutchison, 2009) - با تعریف منطقه‌بندی مناطق بزرگ مقیاس بر اساس مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترکشان (Ibid)

نظر به اینکه در پژوهش حاضر دو گونه "تجمع شهری" و "مجموعه شهری" در استان فارس شناسایی شده، در ادامه تعریف عملیاتی این دو گونه تشریح می‌شود.

فرهنگ کمبریج، "Agglomeration" را معادل "گروه بزرگی از چیزهای مختلف که گرد هم آورده شده‌اند" دانسته است. در فرهنگ لغت دهخدا از "تجمع" به عنوان "گرد آمدن و جمع شدن" تعبیر شده است. تجمع‌های شهری، گستره‌ای شهری است که شامل یک شهر و روستاهای اطرافش و کانون‌های جمعیتی الحاقی بیرونی^۴ آن و دو یا چند شهر از نظر فیزیکی نزدیک به هم می‌باشد. مراد از الحاقات و کانون‌های جمعیتی بیرونی (OGs)، واحدهای جمعیتی منفردی می‌باشند که در نزدیکی شهر یا شهرهای مرکزی استقرار می‌یابند و از نظر تأسیسات زیرساختی و خدماتی به آن شهر یا شهرها وابسته‌اند (Singh, 2014: 164). از جمله این کانون‌ها می‌توان به دهکده‌ها، کمپ‌های دانشگاهی، نواحی فعالیتی یا تجاری مجزا از شهر، پادگان‌ها و اردوگاه‌های نظامی و... اشاره نمود. به طور کلی می‌توان گفت، تجمع‌های شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرها و روستاها که در مجاورت نسبی فضایی استقرار یافته‌اند و در تعامل نسبی با یکدیگر قرار داشته و از نظر جمعیتی تراکم نسبتاً بالایی دارند (مهندسین مشاور ماب، ۱۳۹۳).

در این تعریف دو معیار اصلی موقعیت نسبی استقرار شهرها از نظر نزدیکی و مجاورت شهرها و جمعیت به عنوان الزامات شکل‌گیری یک تجمع شهری بیان شده است. از نظر فاصله فیزیکی، تجمع شهری در آستانه‌ای است که تعاملات اجتماعی-اقتصادی میان کانون‌ها را ممکن می‌سازد و می‌توان پیش‌بینی نمود، در طی چند دهه آتی ناحیه‌ای کاملاً شهری شکل خواهد گرفت. این ارتباطات می‌تواند یکی از انواع رفت‌وآمدهای سنتی^۵ (رفت‌وآمدها از نواحی پیرامونی به شهر اصلی)، رفت‌وآمد مبادله‌ای^۶ (رفت‌وآمدها از شهر اصلی به نواحی پیرامونی)، رفت‌وآمدهای ضربدری^۷ (رفت‌وآمد میان بخش‌های مختلف نواحی پیرامونی) باشد (Burger et al, 2011: 162). هرچه ارتباطات از روابط سنتی فاصله گرفته و به روابط ضربدری گرایش بیشتری نشان دهد، منطقه شهری پویاتری را نشان می‌دهد (Burger et al, 2005: 291-293; Tate et al, 2011: 163). از نظر آستانه جمعیتی لازم برای شکل‌گیری یک تجمع شهری، کل جمعیت شهری محدوده نباید از ۲۰ هزار نفر کمتر شود (Sharma, 2012: 120).

همچنین در فرهنگ کمبریج "Conurbation" را به ترتیب معادل "ناحیه‌ای شهری شامل جمعیتی زیاد با چندین شهر کوچک که در حال رشد و اتصال به یکدیگر هستند" دانسته‌اند. فرهنگ لغت دهخدا نیز "مجموعه" را به عنوان "گرد آمده و جمع شده" تعبیر

کرده است. مجموعه شهری محدوده‌ای است جغرافیایی که از یک شهر مرکزی و حداقل دو شهر پیرامونی و نواحی روستایی مابین آنها تشکیل یافته که تمامی شهرهای پیرامونی آن با شهر مرکزی دارای یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی و خدماتی بوده و لازم است تحت مدیریت یکپارچه باشد (دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۰۶). مجموعه‌های شهری به سه گروه مطابق جدول زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

جدول ۲: انواع مجموعه شهری

مجموعه شهری میانی	جمعیت شهر مرکزی بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر باشد
مجموعه شهری بزرگ	جمعیت شهر مرکزی بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر باشد
منطقه کلانشهری	جمعیت شهر مرکزی بیش از یک میلیون نفر باشد

مأخذ: دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۹

طبق این تعریف، محدوده هر مجموعه شهری باید به صورت یک واحد سرزمینی به هم پیوسته بوده و این محدوده نباید از مرز استانی که شهر مرکزی مجموعه شهری در آن قرار دارد، فراتر رود. همچنین کوچک‌ترین واحد سرزمینی تشکیل‌دهنده مجموعه‌های شهری، بخش‌ها هستند. شهر مرکزی مجموعه شهری بزرگ‌ترین شهر واقع در محدوده مجموعه شهری است که طبق آخرین سرشماری کشور حداقل ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد و در محدوده شعاع عملکردی خود حداقل با دو شهر دیگر یکپارچگی اقتصادی، اجتماعی و خدماتی بالایی دارد. محدوده شعاع عملکردی یک شهر مرکزی حداقل ۳۵ کیلومتر یا حداقل ۳۰ دقیقه از نظر فاصله زمانی است.

۳. روش شناسی

در این پژوهش با بررسی تنوع اصطلاحات مورد استفاده در زمینه مناطق شهر بنیاد، فرایندی برای شناسایی این‌گونه مناطق در کشور ارائه می‌شود. این تحقیق از نقطه نظر پارادایم‌های تحقیق، اثبات‌گرایانه و از نوع تحقیقات شناختی است. نوع روش تحقیق، تحلیل داده‌های ثانویه یا فراتحلیل است (کیوی، ۱۳۹۱: ۹۳-۱۳۴). همچنین اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق اسنادی جمع‌آوری شده است. در نهایت بر اساس فرایند معرفی شده، مناطق شهر بنیاد استان فارس استخراج و تشریح شده است. در ادامه با توجه به مطالعات صورت گرفته در مبانی نظری، مهم‌ترین معیارها و شاخص‌ها به منظور تعیین مناطق شهر بنیاد^۸ شناسایی شده و نحوه کاربست آنها به طور عملیاتی توضیح داده شده‌اند.

بررسی تحقیقات مرتبط نشان می‌دهد که، شاخص‌های مختلفی از

۸ با توجه به تعاریف ارائه شده در مبانی نظری و همچنین شناخت حاصل از استان فارس، تنها دو نوع انبوه شهری در استان قابل تشخیص است: مجموعه شهری و تجمع شهری. به همین منظور تنها این دو نوع مناطق شهر بنیاد مورد بحث قرار گرفته‌اند.

- 1 Urban Agglomeration
- 2 Conurbation
- 3 Urban spread
- 4 Outgrowths (OGs)
- 5 Traditional commuting
- 6 Exchange commuting
- 7 Criss-cross commuting

جمله شاخص های نزدیکی^۱، توپولوژیکی^۲، مجاورت^۳، اجتماعی-اقتصادی^۴، سیاست‌گذاری^۵، ویژگی‌های طبیعی، جمعیت، فرم تاریخی، نیروی کار و نفوذپذیری^۶ برای تعیین مناطق شهر بنیاد ملاک عمل قرار گرفته است (Zhang, 2013:194; Palivos & Wang, 2010:379; Tate et al, 2005:290-293). در این پژوهش سه زمینه اصلی که مورد تأکید غالب مطالعات مرتبط بوده، مدنظر قرار گرفته است.

نخستین معیار جمعیت شهری است. هرچند تعاریفی متعدد از آستانه جمعیتی مورد نیاز برای شکل‌گیری این‌گونه مناطق بیان شده اما وجود پهنه‌های متراکم جمعیتی به عنوان اصل انکارناپذیر شکل‌گیری این‌گونه مناطق مطرح است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۴).

● **تمرکز جمعیت:** برای محاسبه این معیار از سه شاخص جمعیت سکونتگاه‌های شهری، تراکم جمعیتی و میزان شهری شدن سکونتگاه‌ها استفاده شده است.

● **جمعیت سکونتگاه‌های شهری:** آستانه جمعیت شهر مرکزی برای مجموعه شهری ۲۰۰ هزار نفر و برای شهر اصلی تجمع‌های شهری ۵۰ هزار نفر است.

● **شاخص میزان شهری شدن سکونتگاه‌ها:** این شاخص شدت گرایش به شهری شدن را درگذر زمان می‌سنجد. فرمول زیر نحوه محاسبه این شاخص را نشان می‌دهد:

$$\text{شدت شهری شدن} = \frac{P_2 - P_1}{\text{Max}(p1 \& p2)}$$

در این فرمول P_1 میانگین جمعیت در هر سلول در سال مبدأ و P_2 میانگین جمعیت در هر سلول در سال مقصد است. حاصل این فرمول عددی بین یک تا منفی یک است که هرچه نتیجه به عدد یک نزدیک‌تر، شدت شهری شدن بیشتر، چنانچه حاصل صفر باشد، یعنی تغییری در روند شهری شدن ایجاد نشده است و اگر به عدد منفی یک نزدیک‌تر باشد، یعنی شدت شهری شدن درگذر زمان کوچک شده است. گفتنی است این شاخص در شناسایی مناطق شهر بنیاد مؤثر نمی‌باشد بلکه در تحلیل ابعاد شکل‌گیری مناطق دارای اهمیت است.

معیار دوم "مجاورت منطقی" و آنچه فاصله منطقی رفت‌وآمد به نظر می‌رسد، است. به طور کلی دامنه‌ای در بازه زمانی ۳۰ تا ۶۰ دقیقه و ۳۰ تا ۱۲۰ کیلومتر مورد تأکید نظریه‌پردازان مختلف بوده است (صرافی، ۱۳۷۹؛ Batty, 2001; Baily & Turok, 2001; Batten, 1995; Kloosterman & Musterd, 2001).

تراکم سکونتگاه‌های شهری: طبق این شاخص در واقع هر چه تعداد سکونتگاه‌های شهری در واحد زمین بیشتر باشد، تراکم بالاتر و در نتیجه سطح مورد نظر پتانسیل بیشتری برای تشکیل مناطق شهر بنیاد را دارا است. برای محاسبه این شاخص از تابع

- 1 Proximity
- 2 Topological
- 3 Neighbourhood
- 4 Socioeconomic
- 5 Policy Guidance
- 6 Imperviousness

Density در نرم‌افزار Arc GIS استفاده شده است.

● **فاصله شهرها از یکدیگر:** در این پژوهش فاصله زمانی ۴۵ دقیقه ملاک عمل بوده است. برای محاسبه فواصل شهرها از منطق تحلیل شبکه‌ای^۷ در نرم‌افزار GIS استفاده شده است^۸.

معیار سوم "سطح تعاملات و روابط متقابل بین مراکز و اندازه‌گیری‌ها" است (رستم پور، ۱۳۸۱: ۵۵؛ Davoudi, 2003: 986). هرچند تهیه اطلاعات مورد نیاز این دسته تحلیل‌ها چه در جهان و چه در کشور با دشواری‌هایی همراه است^۹ (Davoudi, 2003: 986; Green, 2007: 2085).

● **پیوند کالایی و مسافر:** به منظور محاسبه این شاخص‌ها، میزان جابجایی بار و مسافر بین شهرها ملاک عمل قرار گرفته است. شدت تعاملات میان شهرهای یک منطقه شهر بنیاد بیانگر پویایی فضایی آن منطقه خواهد بود.

● **پیوند خدماتی:** برای تشخیص ارتباطات و وابستگی‌های خدماتی، نوع و شعاع خدمات‌رسانی خدمات موجود در شهرهای مناطق شناسایی شده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با توجه به نسبت برخورداری شهرها از خدمات، زمینه‌های وجود وابستگی‌های خدماتی شهرها تعیین می‌گردد. خدماتی که در این تحلیل مورد استفاده قرار گرفتند عبارتند از: خدمات گردشگری-تفریحی (شامل هتل و فضای سبز در مقیاس کلان)، خدمات حمل‌ونقل (شامل پایانه و فرودگاه)، خدمات درمانی (شامل بیمارستان) و خدمات آموزشی (شامل آموزش عالی).

در نهایت با روی هم‌گذاری لایه‌های پهنه‌ای^{۱۰} فوق در نرم‌افزار Arc GIS محدوده‌هایی که بیشترین پتانسیل را دارند، مشخص شده است. سپس در محدوده‌های شناسایی شده پارامترهای آستانه جمعیتی بیان شده برای شهر مرکزی و وجود راه و تعاملات بین شهرها، بررسی شده و مجموعه‌ها و تجمع‌های شهری استخراج گردیدند. در نهایت به منظور تدقیق مرز سیاسی مناطق شهر بنیاد، تمامی دهستان‌هایی که شهرهای استخراج شده در آن‌ها قرار گرفته‌اند، جزو محدوده مناطق شهر بنیاد به حساب آمده‌اند.

۴. قلمرو پژوهش

استان فارس با مساحتی معادل ۱۲۲ هزار و ۷۷۸ کیلومترمربع، چهارمین استان پهناور کشور است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری (سال ۱۳۹۳)، استان فارس به ۲۹ شهرستان، ۱۰۲ شهر، ۸۴ بخش و ۲۰۵ دهستان تقسیم شده است. جمعیت این استان طبق سرشماری جمعیتی سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران معادل چهار

7 Net work Analysis

۸ برای آشنایی با نحوه محاسبه فاصله زمانی میان شهرها، نگاه شود به راهنمای آمایش استان‌های کشور، ۱۳۸۵.

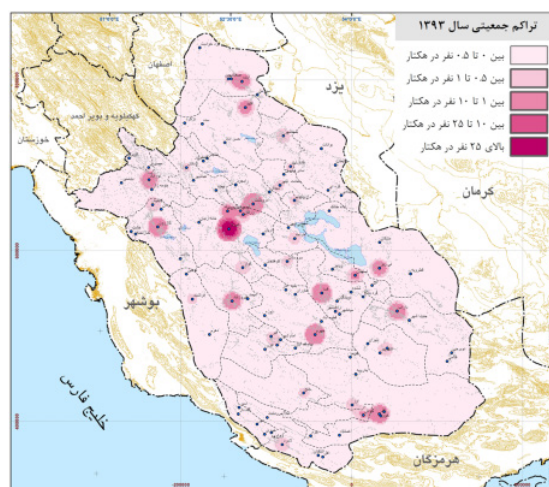
۹ سازمان حمل‌ونقل و راهداری جاده اطلاعات تعداد سفر، مسافر و همچنین تعداد و وزن کالاهای جابجا شده میان کانون‌های جمعیتی را استخراج می‌نماید. گفتنی است این اطلاعات تنها جابجایی‌های صورت گرفته از طریق پایانه‌های بار و مسافر را شامل می‌شود، در صورتی که حجم قابل توجهی از تعاملات میان شهرها به خصوص در فواصل نزدیک به صورت غیررسمی صورت می‌گیرد.

10 Polygon

میلیون و ۵۹۶ هزار و ۶۵۸ نفر می‌باشد که سه میلیون و ۱۳۷ هزار و ۴۹۴ نفر در نقاط شهری و یک میلیون و ۴۶۳ هزار و ۲۳۱ نفر در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. مرکز استان فارس، شهر شیراز است که بر اساس سرشماری جمعیتی سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، یک میلیون و ۴۶۰ هزار و ۶۶۵ نفر جمعیت داشته و ششمین شهر پرجمعیت ایران و نخستین شهر پرجمعیت استان می‌باشد. پس از شیراز شهرهای مرودشت، جهرم و فسا قرار گرفته‌اند که به لحاظ جمعیتی فاصله زیادی با شهر نخست دارند.

۵. یافته‌های تحقیق

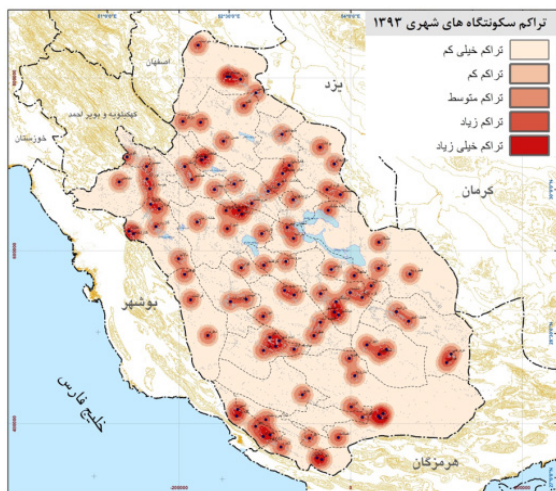
با توجه به فرایند ارائه شده در بخش روش‌شناسی، در این بخش به تعیین مناطق شهر بنیاد استان فارس پرداخته می‌شود. به منظور حصول شناخت در زمینه تمرکز جمعیت در سطح استان، نقشه‌های جمعیت شهرها، تراکم جمعیتی استان و شدت شهری شدن سکونتگاه‌ها تهیه شده است. با توجه به نتایج خروجی‌ها تنها شهر شیراز با جمعیتی معادل یک میلیون و ۴۶۰ هزار و ۶۶۵ نفر، در دسته شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر قرار می‌گیرد و پتانسیل تشکیل مجموعه شهری را دارا می‌باشد. از آنجایی که این شهر، جمعیتی بالای یک میلیون نفر دارد، کلانشهر محسوب شده و در ارتباط با شهرهای اطراف خود (در صورت وجود سایر شروط)، مجموعه شهری شیراز (منطقه کلانشهری شیراز) را تشکیل می‌دهند.



تصویر ۱: تراکم جمعیتی سال ۱۳۹۳

همان‌طور که در تصویر ۱ مشخص است، تراکم جمعیتی در اطراف شیراز نسبت به سایر نقاط استان بسیار زیاد بوده (بالای ۲۵ نفر در هکتار تا ۵۳ نفر در هکتار) است. سایر شهرهای پرجمعیت استان شامل شهرهای مرودشت، جهرم و فسا می‌شود که با اختلافی فاحش با شهر نخست استان (شیراز) در رتبه دوم، سوم و چهارم قرار گرفته و جمعیتی بالای صد هزار نفر دارند. شهرهای کازرون، لار، فیروزآباد، داراب، آباده، نورآباد و نیریز با جمعیتی بین پنجاه تا صد هزار در رتبه‌های بعدی جمعیتی قرار دارند. در نقشه تراکم جمعیتی غالب محدوده‌هایی که دارای تراکم جمعیتی بالا (۱۰ تا ۲۵ نفر در هکتار) می‌باشند، این شهرها را شامل می‌شوند. این

محدوده‌ها به عنوان مکان‌های بالقوه تجمع‌های شهری قابل شناسایی می‌باشند. در گام دوم تراکم سکونتگاه‌های شهری در استان بررسی می‌گردد. تصویر ۲ زیر پهنه‌های تراکمی استان فارس را نشان می‌دهد.



تصویر ۲: تراکم سکونتگاه‌های شهری سال ۱۳۹۳

در گام سوم، نسبت به روی هم اندازی نتایج گام‌های نخست و دوم اقدام شده است. بر این اساس محدوده‌هایی که هم به لحاظ جمعیتی و هم به لحاظ تراکم سکونتگاهی برای تجمع شهری شرایط نسبتاً مناسبی دارند، شامل شهرهای فسا-جهرم، آباده-اقلید، لار-گراش، کازرون-نورآباد و نیریز-استهبان می‌شود (تصویر ۳).

در ادامه تلاش می‌شود به تشریح معیارهای کنترلی چون جمعیت شهرهای اصلی، فاصله و تعاملات در هریک از محدوده‌های تعیین شده پرداخته شود تا از آن طریق نسبت به تثبیت و یا حذف آن محدوده اقدام گردد.

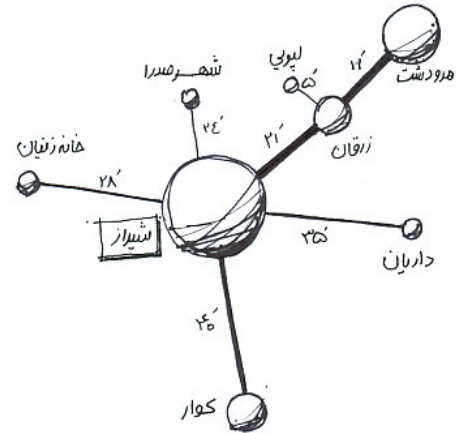


تصویر ۳: تجمع‌ها و مجموعه شهری سال ۱۳۹۳

الف- مجموعه شهری شیراز:

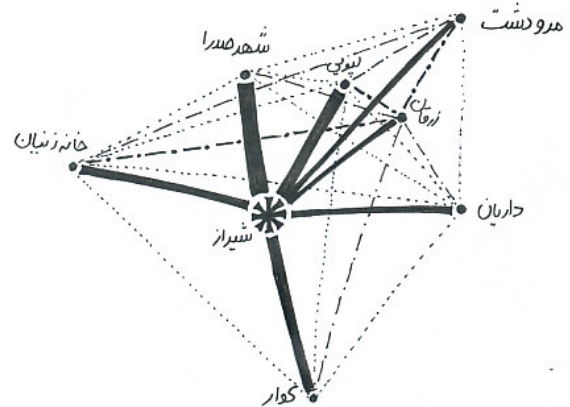
طبق قانون مصوب مجموعه شهری، شهرهایی که در شعاع ۳۵ کیلومتری یا در فاصله زمانی ۳۰ دقیقه‌ای شهر مرکزی قرار گرفته‌اند، جزو مجموعه شهری به حساب می‌آیند. با توجه به محاسبات صورت گرفته، شهرهای خانه زنیان، زرقان، شهر صدرا و لپویی

دارای این شرایط می‌باشند. اما با توجه به لزوم بررسی سایر عوامل مهم چون جمعیت و نقش شهرهای اطراف و میزان ارتباط آنها با شهر مرکزی، شهرهای داریان، مرودشت و کوار نیز جزو مجموعه شهری به حساب می‌آیند. شهر مرودشت به عنوان شهر دوم استان با جمعیت ۱۳۸ هزار و ۶۴۹ نفر در فاصله ۳۲ دقیقه‌ای شیراز قرار دارد و به لحاظ عملکردی کاملاً با شیراز در تعامل می‌باشد. شهر کوار نیز با جمعیت ۲۶ هزار و ۳۴۲ نفر در تعامل با شهر مرکزی در فاصله ۴۰ دقیقه‌ای آن قرار دارد.



تصویر ۴: فاصله زمانی شهرهای مجموعه شهری شیراز برحسب دقیقه - نگارندگان

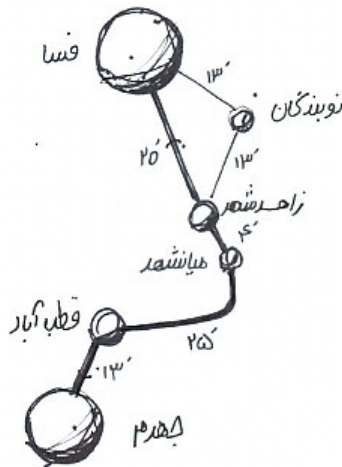
در ارتباط با تعاملات میان شهرهای این مجموعه شهری طبق آمار سال ۱۳۹۰ سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور، ۶۹ هزار و ۱۵۳ تریلر از شیراز به شهرهای مجموعه شهری و ۵۰ هزار و ۲۹۷ تریلر از شهرهای مجموعه شهری وارد شیراز شده‌اند. در ارتباط با جابجایی مسافر نیز باید گفت یک میلیون و ۶۵۷ هزار و ۳۰۴ مسافر از شیراز به شهرهای مجموعه شهری و دو میلیون و ۴۵۸ هزار و ۲۰۵ مسافر از شهرهای مجموعه شهری وارد شیراز شده‌اند، یعنی در مجموع در شهر شیراز طی سال ۱۳۹۰، چهار میلیون و ۱۱۵ هزار و ۵۰۹ نفر جابجایی مسافر وجود داشته است. با توجه به این اطلاعات، وجود پیوند شدید عملکردی بین شهرهای مجموعه شهری با شهر مرکزی (شیراز) کاملاً مشهود است.



تصویر ۵: شدت روابط خدماتی شهرهای مجموعه شهری شیراز - نگارندگان

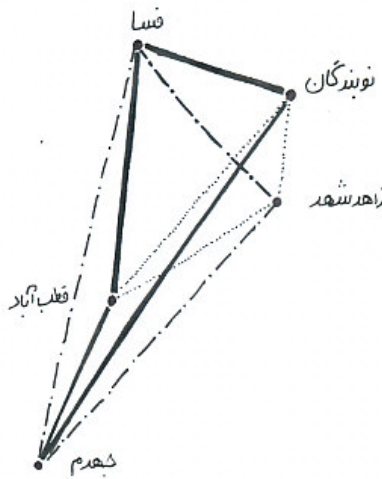
ب- تجمع شهری فسا- جهرم:

شهرهای فسا- جهرم از مهم‌ترین شهرهای استان فارس می‌باشند که پس از شیراز و مرودشت در رتبه‌های بعدی به لحاظ جمعیتی قرار دارند. نوبندگان، زاهدشهر، قطب‌آباد و میان‌شهر سایر شهرهایی هستند که در نزدیکی این دو شهر قرار گرفته‌اند. در زیر گراف فاصله زمانی و مکانی شهرهای واقع در تجمع شهری از دو شهر اصلی فسا و جهرم ارائه شده است. دو شهر اصلی در فاصله ۸۹ کیلومتری از هم قرار دارند که این مسافت در حدود یک ساعت طی می‌شود. البته لازم به توضیح است که به دلیل قرارگیری شهرهای قطب‌آباد و زاهد شهر در میان دو شهر اصلی، حداقل فاصله مورد نظر صادق خواهد بود.



تصویر ۶: فاصله زمانی شهرهای تجمع شهری فسا- جهرم برحسب دقیقه - نگارندگان

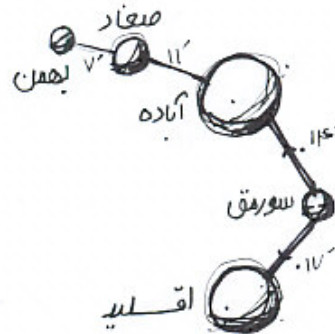
بررسی جریان‌ات میان شهرهای فسا و جهرم نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۰ در مجموع ۵۹ هزار و ۶۸۳ مسافر بین این دو شهر جابجا شده‌اند. ۲۷ هزار و ۷۳۱ نفر نیز میزان جابجایی مسافر در سایر شهرهای تجمع شهری با یکدیگر و با دو شهر اصلی می‌باشد. میزان جابجایی بار بین دو شهر اصلی ۷۱۱ تریلر و در سایر شهرها ۸۷۵ تریلر است.



تصویر ۷: شدت روابط خدماتی شهرهای تجمع شهری فسا- جهرم - نگارندگان

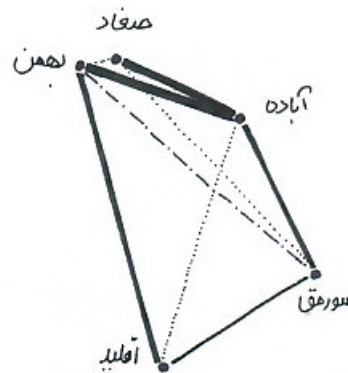
ب- تجمع شهری آباد- اقلید:

شهرهای صفاد، بهمن، سورمق سایر شهرهای واقع در این تجمع شهری هستند که در فاصله کمی از شهرهای اصلی قرار دارند. دو شهر اصلی در فاصله ۴۴ کیلومتری هم قرار دارند که این مسافت در حدود ۳۰ دقیقه طی می‌شود. شهرهای صفاد و بهمن در فاصله ۱۵ دقیقه‌ای از شهر آباد و شهر سورمق در فاصله ۲۰ دقیقه‌ای از هر دو شهر اصلی در مرکز تجمع شهری قرار دارد.



تصویر ۸: فاصله زمانی شهرهای تجمع شهری آباد- اقلید برحسب دقیقه - نگارندگان

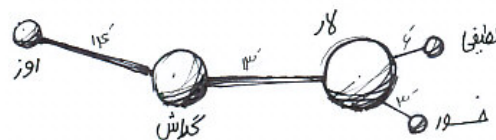
در تجمع شهری آباد- اقلید باید گفت که در سال ۱۳۹۰ در مجموع ۱۲۷ هزار و ۷۲۵ مسافر بین این دو شهر جابجا شده‌اند. ۱۰۰۰ نفر نیز میزان جابجایی مسافر در سایر شهرهای تجمع شهری با یکدیگر و با دو شهر اصلی می‌باشد. میزان جابجایی بار بین دو شهر اصلی ۷۵۵ تریلر و در سایر شهرها هفت هزار و ۶۵۴ تریلر است.



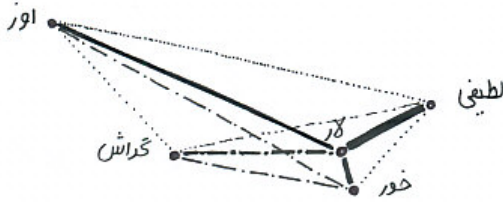
تصویر ۹: شدت روابط خدماتی شهرهای تجمع شهری آباد- اقلید - نگارندگان

ت- تجمع شهری لار- گراش

شهرهای اوز، خور و لطیفی سایر شهرهای این تجمع شهری می‌باشند. دو شهر اصلی در فاصله ۱۹ کیلومتری از هم قرار دارند که این مسافت در حدود ۱۳ دقیقه طی می‌شود. میزان مسافر و بار جابجا شده در بین تجمع شهری گراش- لار ۲۴ هزار و ۳۰۴ نفر و هزار و ۶۴۳ تریلر بوده است.



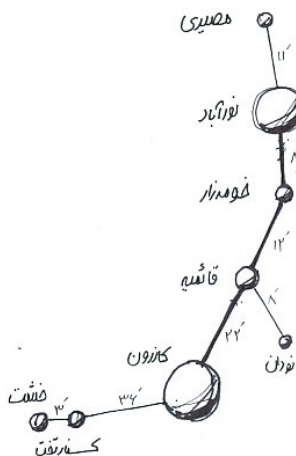
تصویر ۱۰: فاصله زمانی شهرهای تجمع شهری لار- گراش برحسب دقیقه - نگارندگان



تصویر ۱۱: شدت روابط خدماتی شهرهای تجمع شهری لار- گراش - نگارندگان

ث- تجمع شهری کازرون- نورآباد:

شهرهای کازرون- نورآباد به لحاظ جمعیتی در رتبه‌های پنجم و دهم شهرهای استان قرار دارند. در کنار این دو شهر، شهرهای خشت، خومه‌زار، قائمیه، کنار تخته، مصیری و نودان در این تجمع قرار گرفته‌اند. دو شهر اصلی از هم ۶۱ کیلومتر فاصله دارند که این مسافت در حدود ۴۱ دقیقه طی می‌شود. البته گفتنی است که شهرهای قائمیه و خومه‌زار به عنوان شهرهای واسط در میان دو شهر اصلی این تجمع قرار گرفته‌اند و فاصله سی کیلومتری بین شهرها رعایت شده است. در این تجمع شهری هفت هزار و ۲۰۹ نفر و سه هزار و ۱۱۵ تریلر میان شهرهای کازرون و نورآباد جریان داشته‌اند.



تصویر ۱۲: فاصله زمانی شهرهای تجمع شهری کازرون- نورآباد برحسب دقیقه - نگارندگان



تصویر ۱۳: شدت روابط خدماتی شهرهای تجمع شهری کازرون- نورآباد - نگارندگان

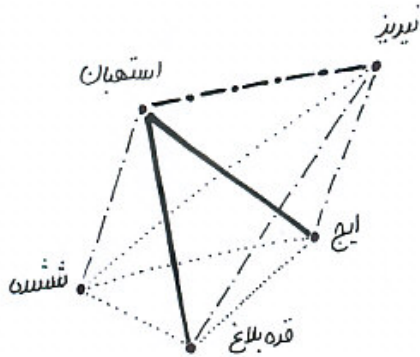
ج- تجمع شهری نیریز-استهبان:

ارتباط بین شهرهای اصلی این تجمع شهری از طریق راه اصلی و در سایر شهرها از طریق راه‌های فرعی برقرار می‌شود. در کنار این دو شهر، شهرهای ایچ، قره‌بلاغ و ششده نیز می‌توانند جزو پهنه تجمع شهری قرار بگیرند.

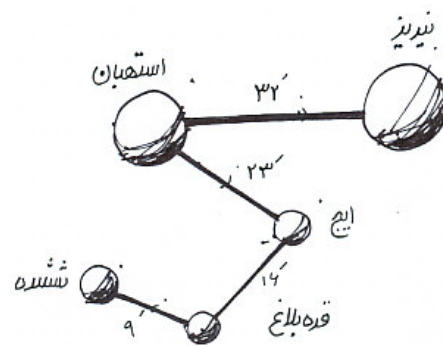
فاصله شهرهای اصلی این تجمع شهری، از یکدیگر ۴۵ کیلومتر، معادل ۳۲ دقیقه است. بررسی جریان بار و مسافر میان شهرهای نیریز و استهبان بیانگر وجود ارتباطی معادل هزار و ۱۹۰ تریلر کالا و ۲۲۵ مسافر میان این دو شهر می‌باشد.

در جمع‌بندی نهایی باید گفت، با توجه به مطالعات صورت گرفته، تمامی محدوده‌های شناسایی شده، تثبیت می‌گردند. بر این اساس در استان فارس یک مجموعه شهری از نوع منطقه کلان‌شهری و پنج تجمع شهری شناسایی شده است. با بررسی ویژگی‌های جمعیتی هریک از گونه‌های شناسایی شده، مشخص می‌شود که از لحاظ جمعیتی، این مناطق با تعاریف ارائه شده در مبانی نظری انطباق دارد.

تحلیل جریان‌های خدماتی محدوده‌های شهری بیان می‌دارد که به طور کلی ارتباط بین شهرهای فرعی‌تر با شهرهای اصلی شدید و ارتباط شهرهای اصلی با یکدیگر کم می‌باشد. علت این امر تمرکز خدمات اصلی‌تر در شهرهای بزرگ‌تر می‌باشد که منجر به استفاده شهرهای کوچک‌تر از خدمات آنها می‌شود. بررسی الگوی فضایی-عملکردی و ساختار ارتباطی این محدوده‌ها نشان می‌دهد که مجموعه شهری شیراز نظامی کاملاً تک مرکزی دارد. همچنین از نظر شبکه ارتباطی، ساختاری شعاعی به مرکزیت شهر شیراز مشاهده می‌شود. این الگوی استقرار نقاط نسبت به هم نیز فرایندهای رو به مرکز موجود در مجموع شهری شیراز را تشدید می‌نماید. در مورد تجمع‌های شهری استان فارس، الگوی فضایی تمامی تجمع‌ها از ساختارهای تک مرکزی فاصله گرفته و به ساختارهایی خوشه‌ای یا چندمرکزی متمایل شده‌اند. از سویی دیگر، تمامی تجمع‌ها به صورت خطی در امتداد شبکه معابر اصلی استقرار یافته‌اند. خطی بودن ساختار ارتباطی مانع گسترش کالبدی بیش از حد این تجمع‌های شهری می‌شود. زیرا با فاصله



تصویر ۱۵: شدت روابط خدماتی شهرهای تجمع شهری نیریز - استهبان - نگارندگان



تصویر ۱۴: فاصله زمانی شهرهای تجمع شهری نیریز - استهبان برحسب دقیقه - نگارندگان

جدول ۳: ویژگی‌های توصیفی مناطق شهر بنیاد استان فارس - مرکز آمار ایران، نگارندگان

نام مناطق شهر بنیاد	نام شهرستان‌ها	جمعیت شهر نخست	تعداد دهستان	تعداد سکونتگاه (سال ۱۳۹۰)		جمعیت (سال ۱۳۹۰)		
				شهر	آبادی	شهری	روستایی	جمع
مجموعه شهری شیراز	شیراز، مرودشت، کوار، سپیدان، سروستان	۱۴۶۰۶۶۵	۱۹	۸	۲۶۵	۱۷۱۴۴۴۴	۲۵۴۷۱۸	۱۹۶۹۱۶۲
تجمع شهری فسا-جهرم	فسا، جهرم	۱۱۴۱۰۸	۸	۶	۱۳۲	۲۴۳۳۵۳	۷۴۷۷۵	۳۱۸۱۲۸
تجمع شهری آباد-اقلید	آباد، اقلید	۵۵۷۵۸	۴	۵	۲۹	۱۲۲۲۲۹	۱۶۹۹۵	۱۳۹۲۲۴
تجمع شهری لار-گراش	لارستان، گراش	۶۵۴۵۱	۳	۵	۲۸	۱۳۱۹۳۵	۲۲۱۱۲	۱۵۴۰۴۷
تجمع شهری کازرون-نورآباد	کازرون، ممسنی و رستم	۸۹۶۸۵	۱۲	۸	۲۸۰	۱۹۹۸۶۱	۹۷۱۴۴	۲۹۷۰۰۵
تجمع شهری نیریز-استهبان	نیریز، استهبان، فسا	۵۰۲۹۱	۴	۵	۱۵۷	۱۰۲۴۳۸	۳۵۹۷۷	۱۳۸۴۱۵

گرفتن از مراکز، هزینه‌های حمل‌ونقل به طور فزاینده‌ای افزایش می‌یابد.

در آخر شاخص شدت شهری شدن در مجموعه‌های فوق مورد محاسبه قرار گرفته است. بر این اساس مشاهده می‌شود، بیشترین شدت شهری شدن در محدوده‌های شناسایی شده به ترتیب برای تجمع شهری لار-گراش و مجموعه شهری شیراز اتفاق افتاده است. لازم به تأکید است، این شاخص گرایش نسبی،

شکل‌گیری محدوده‌های شهر بنیاد را نشان می‌دهد. به عبارتی دیگر بزرگ‌تر بودن اندازه این شاخص برای این محدوده‌ها بیانگر پتانسیل این مناطق در شکل‌گیری نواحی کاملاً شهری است. با مذاقه در موضوع مشخص می‌شود هر دو منطقه یاد شده ساختار فضایی تک مرکزی دارند که بالتبع توجیه‌کننده مراحل آغازین توسعه منطقه‌ای و براساس فرایندهای رو به مرکز است.

جدول ۴: ویژگی‌های ساختاری مناطق شهر-بنیاد - نگارندگان

نام مناطق شهر بنیاد	ساختار فضایی	ساختار ارتباطی	شدت شهری شدن (درصد)
مجموعه شهری شیراز	تک مرکزی (به مرکزیت مسلط شیراز)	شعاعی	۳۰
تجمع شهری فسا-جهرم	چندمرکزی (دو مرکز اصلی جهرم و فسا)	خطی	۲۱
تجمع شهری آباد-اقلید	چندمرکزی (دو مرکز آباد و اقلید)	خطی	۱۵
تجمع شهری لار-گراش	تک مرکزی (با مرکزیت لار)	خطی	۳۲
تجمع شهری کازرون-نورآباد	ساختار بینابینی تک مرکزی-خوشه‌ای (کازرون مرکز اصلی و نورآباد مرکز فرعی)	خطی	۲۱
تجمع شهری نیریز-استهبان	ساختار بینابینی خوشه‌ای-چندمرکزی (به مرکزیت استهبان و نیریز)	خطی	۲۳

۶. نتیجه‌گیری

مناطق شهر بنیاد، تمرکز از شهرها و کانون‌های جمعیتی می‌باشد که زمینه‌های مشترکی با یکدیگر داشته و به هم وابسته‌اند (از نوع وابستگی‌های اجتماعی، اقتصادی، کارکردی و فضایی). این ویژگی‌های مشترک سبب می‌شود که بتوان زمینه‌های مکملی و البته با هدف‌گذاری واحد را برای آنها متصور شد. پس می‌توان گفت، مناطق شهر بنیاد، به دو طریق می‌توانند نظام سکونتگاهی مناطق را تحت تأثیر قرار دهند. اگر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران این گونه مناطق را به عنوان فرصت تلقی نمایند و در جهت هدایت فرایندهای شکل دهنده به این گونه مناطق برآیند، می‌توان شاهد ظهور زیرمجموعه‌های منسجم کارکردی در نظام سکونتگاهی بود. اشکال توسعه یافته این گونه مناطق منجر به شکل‌گیری منطقه عملکردی روزانه، نظام متعادل شبکه‌ای و تخصص‌یابی مناطق در قالب یک کل اقتصادی یکپارچه می‌شود. از سویی دیگر، عدم توجه کافی به این پدیده‌ها و منفرد دانستن هریک از سکونتگاه‌ها، سبب شکل‌گیری تناقضات کارکردی و تفرق مدیریتی و در نتیجه اختلاط در سیستم منطقه می‌گردد. بدین شرح که وجوه اشتراک میان سکونتگاه‌ها منجر به عدم تعادل در سیستم، تمرکز فضایی، عدم تخصص‌یابی مناطق (به علت تناقضات کارکردی احتمالی و عدم حمایت سکونتگاه‌های مجاور از یکدیگر) و ... می‌شود. به تعبیری اقتصادی و البته تمثیلی می‌توان از حالت نخست به عنوان صرفه‌های ناشی از تجمع - که شامل صرفه‌جویی‌های هم مکانی، مقیاس و شهری شدن می‌باشد - و از حالت دوم به عنوان بی‌صرفگی‌های مقیاس - از جمله افزایش هزینه‌های مربوط به خدمات عمومی، زیرساخت‌ها، ازدحام و ظهور فعالیت‌های مشابه و موازی‌ها به جای فعالیت‌های مکمل و تخصصی - یاد می‌شود. انواع متفاوت گونه‌های مناطق شهر بنیاد، ساختارهای متفاوتی

دارند. این اشکال جدید نظام سکونتگاهی منطقه‌ای الزامات فضایی-عملکردی خاص خود را می‌طلبند. از این رو شناسایی مناطق شهر بنیاد و تعیین نوع آنها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در ادبیات برنامه‌ریزی منطقه‌ای جهان، تعابیر و دسته‌بندی‌های متفاوتی از این مناطق ارائه شده است. در این مقاله ابتدا گونه‌شناسی و تبارشناسی مناطق شهر بنیاد بررسی شده و سپس نسبت به بومی‌سازی این مفاهیم در نظام فضایی کشور اقدام شده است. بر این اساس چهار نوع منطقه شهر بنیاد تجمع شهری، مجموعه شهری میانی، مجموعه شهری بزرگ و منطقه کلانشهری معرفی شده است. برای شناسایی مناطق شهر بنیاد، شش شاخص جمعیت، موقعیت استقرار نقاط، پیوندهای فیزیکی میان نقاط، پیوندهای کالایی و مسافر میان نقاط و وابستگی عملکردی (خدماتی) نقاط مورد سنجش قرار گرفته است. در نهایت با توجه به شرایط حاکم بر استان فارس و مبانی نظری مطالعه شده، دو نوع منطقه شهر بنیاد (یک مجموعه شهری و پنج تجمع شهری) در استان شناسایی شد که هریک رویکرد تحلیلی مشابه در عین حال مجزایی را طلب می‌کنند. این مناطق عبارتند از: مجموعه شهری شیراز و تجمع‌های شهری فسا-جهرم، آباد-اقلید، لار-گراش، کازرون-نورآباد و نیریز-استهبان. مطالعات تفصیلی صورت گرفته در هریک از مناطق به بررسی الگوی ساختار فضایی، ساختار ارتباطی و شاخص شدت شهری شدن پرداخته است. بر این اساس نتیجه می‌شود، مجموعه شهری شیراز و تجمع شهری گراش - لار بیشترین پتانسیل را برای تبدیل شدن به مناطقی کاملاً شهری شده دارا هستند. مجموعه شهری شیراز دارای الگوی فضایی-عملکردی تک مرکزی و ساختار ارتباطی شعاعی به مرکزیت مسلط شهر شیراز است. همچنین دو مرکز شهرستان (به جز شیراز) مرودشت و کوار نیز در این مجموعه

شهری قرار دارند. شدت زیاد شهری شدن و تسلط فراینده شهر شیراز بر اطراف، گواهی بوجود روابط یک جانبه و مرکز-پیرامونی در این پهنه متراکم شهری می‌باشد. از این رو ضرورت در پیش گرفتن سیاست‌هایی برای کاهش وابستگی در امکانات و خدمات پایه و همچنین سفرهای خانه-مینا میان مرودشت و کوار با شیراز و القای نقشه‌ای کارکردی به این شهرها در کنار شیراز می‌تواند باعث تقویت و توسعه ساختار مجموعه شهری شیراز گردد. به طریقی مشابه تجمع شهری گراش- لار نیز ساختاری تک مرکزی با شدت بالای شهری شدن دارد که راهکارهایی مشابه با مجموعه شهری شیراز را می‌طلبد. القای نقش کارکردی به شهر گراش در کنار شهر لار می‌تواند زمینه‌ساز بهبود ساختار فضایی- عملکردی این تجمع شهری شود. تجمع شهری کارزون- نورآباد با ساختار بینابینی تک مرکزی- خوشه‌ای نیازمند تقویت بیشتر شهر نورآباد می‌باشد تا بدین ترتیب به ساختار چند مرکزی تغییر یابد. همچنین به دلیل اهمیت این دو شهر و استقرار خطی شهرهای تجمع شهری نام برده، تقویت شبکه ارتباطی میان شهرها از دیگر موارد مهم می‌باشد.

در مورد دو تجمع شهری فسا- جهرم و آباده- اقلید با توجه به ساختارهای چند مرکزی و وجود دو شهر اصلی و به نسبت هم‌مرتبه (از نظر سلسله مراتب نظام سکونتگاهی استان) در آنها، تقویت زمینه‌های مکمل و بهره‌مندی از سینرژی (هم‌افزایی) ناشی از تخصصی شدن دو شهر اصلی این تجمع‌ها از نکات با اهمیت است که باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرد. همچنین تقویت ارتباط فیزیکی میان شهرهای اصلی این تجمع‌ها باید مدنظر قرار گیرد. این نکته در مورد تجمع شهری فسا- جهرم اهمیت دوچندان می‌یابد.

تجمع شهری نی‌ریز- استهبان با ساختار بینابینی خوشه‌ای- چندمرکزی کوچک‌ترین تجمع شهری استان فارس است. ساختار خوشه‌ای- چند مرکزی این تجمع شهری به دلیل توسعه یافتگی این تجمع شهری نمی‌باشد بلکه به دلیل وجود شهرهایی هم‌مرتبه می‌باشد. به طوری که این تجمع شهری فاقد مرکزی مسلط بوده و شامل دو شهر میانی و سه شهر کوچک می‌باشد. در فرایند توسعه این تجمع شهری، توجه به بازگذاری یکپارچه خدمات شهری در تمامی شهرهای این تجمع و همچنین تقویت شبکه راه‌های میان تمامی شهرهای ضروری می‌نماید.

منابع:

- اسدی، ایرج، زبردست، اسفندیار (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی مناطق شهر-بنیاد در مطالعات شهری و منطقه‌ای: با نظری برواکاوی مفهوم مجموعه شهری در ایران، هنرهای زیبا، شماره ۴۳.
- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری (۱۳۸۸)، مقررات شهرسازی و معماری و طرح‌های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، نشر توسعه ایران.
- رستم‌پور، هوشنگ (۱۳۸۱)، تبیین سازمان‌یابی فضایی سیستم‌های شهری، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- زبردست، اسفندیار، حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۸)، تبیین فرایند شکل‌گیری، تکوین و دگرگونی مناطق کلانشهر، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۶۹.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۵)، "دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری"، چاپ اول، چاپ دهم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳)، تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا، رساله دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کیوی ریموند، کامپنهودلوک وان (۱۳۹۱)، ترجمه نیک گوهر عبدالحسین، روش تحقیق در علوم اجتماعی، مطالعات اکتشافی، طرح نظری تحقیق، مدل تحلیلی، طرح نظری تحقیق و تحلیل محتوی.
- مشفق، وحید (۱۳۹۱)، ظرفیت‌سنجی الگوی فضایی- عملکردی شبکه شهری استان مازندران با استفاده از تحلیل جریان‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۳)، "تحول در مفهوم، نقش و ساختار کلانشهرها"، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری.
- مهندسین مشاور مآب (۱۳۹۳)، طرح آمایش استان فارس، گزارش ۲۹، تهران.

- Bailey, N; Turok, I. (2001). Central Scotland as a poly-centric urban region: useful planning concept or chimera?, Urban Studies, 38, pp.697-715.
- Basolo, V. (2003). US Regional and Rationality, Urban Studies, Vol 40, No. 3
- Batten, D. F. (1995). Network cities: creative urban agglomerations for the 21 st century, Urban Studies, 32, pp. 313-327.
- Batty, M. (2001b). Polynucleated urban landscape, Urban

- metropolitan area. *Geografiska Annaler* 89B, 147–167.
- Palivos, T. Wang, P. (1996), Spatial agglomeration and endogenous growth. *Regional Science and Urban Economics*, 26, pp. 645–669.
 - Parr, B. John. (2007), Spatial Definition of the City: Four Perspectives, *Urban Studies*, Vol. 44. No 2
 - Pasion, M. (2001). *Urban Geography: A global perspective*, Routledge.
 - Reggiani, A; Rietveld, P. (2010), Networks, Commuting and Spatial Structures: *Journal of Transport and Land Use* 2 (3/4).
 - Schwanen, T; Deileman, F. M; Dijst, M.J. (2004). The impact of metropolitan structure on commute behaviour in the Netherlands: a multilevel approach. *Growth and Change*, 35: 304–334.
 - Sharma, K. (2012). "Population and Society 254" pages
 - Singh, R.B. (2014). *Urban Development Challenges, Risks and Resilience in Asian Mega Cities – Political Science* – 488 pages
 - Tabuchi, T. (1998). Urban agglomeration and dispersion: A synthesis of Alonso and Krugman, *Journal of Urban Economics*, Vol 44, Issue 3, pages 333–351
 - Tate, C. M; Cuffney, T. F; McMahon, G; Giddings, E. m. p; Coles, J. F; Zappia, H. (2005). Use of an urban intensity index to assess urban effects on streams in tree contrasting environmental settings. *American Fisheries Society Symposium*, 47, 291–315.
 - Taylor, P; Hoyler, M; & Verbruggen, R. (2010). External Urban Relational Process: introducing Central Flow Theory to Complement Central Place Theory. (Routledge, Ed.) *Urban Studies*, 47. , issue 13, pages 2803–2818.
 - Zhonghao Zhang, Shiliang Su, Rui Xiao, Diwei Jiang, Jiaping Wu. (2013). Identifying determinants of urban growth from a multi-scale perspective: A case study of the urban agglomeration around Hangzhou Bay, China, *Applied Geography*, Volume 45, Pages 193–202.
 - Bloom, D. E; Canning, D; Fink, G. (2008). Urbanization and the wealth of nations. *Science*, 319 (5864), 772–775.
 - Burger, M.J.B; De Goel, L; Van Der Laan & F.J.M. Huisman (2011). Heterogeneous development of metropolitan spatial structure: evidence from commuting patterns in English and Welsh city-regions, 1981–2001. *Cities* 28, pp. 160–170.
 - Davoudi, S. (2003). Polycentric in European Spatial Planning: from an Analytical Tool to a Normative Agenda. *European Planning Studies*, 11, 979–999.
 - Geddes, P. (1915), *Cities in evolution*, London: Williams and Norgate, 1949 Reprint
 - Geri, F; Amici, V; Rocchini, D. (2010). Human activity impact on the heterogeneity of a Mediterranean landscape. *Applied Geograph*, 30, 370–379.
 - Green, N. (2007). "Functional Polycentricity: A Formal Definition in Terms." *Urban Studies*, Vol. 44, No. 11.
 - Hall, P. (2001). Global city regions in the twenty first century, in: Scott, A.J. (Ed.) *Global City Region: trends, theory, Policy*, pp. 59–77. Oxford, UK: Oxford University Press.
 - Hall, P; Pain, K. and Green, N. (2006) Anatomy of the polycentric metropolis: eight mega-city regions in overview, in: P. HALL and K. PAIN (Eds) *The Polycentric Metropolis: Learning from Mega-city Regions in Europe*, pp. 19–52. London: Earthscan.
 - Henton, D. (2001). Lessons from Silicon Valley: Governance in a global city-region. In AJ Scott (Ed.), *Global city-regions: Trends, theory, policy*, pp. 391–400.
 - Kloosterman, R. C; Musterd, S. (2001). The Polycentric Urban Region: Towards a Research Agenda. *Urban Studies*, 38, 623–633.
 - Krugman, P. (1991). Increasing returns and economic geography. *Journal of Political Economy* 99, 483–499.
 - Meijers, E; Burger, M.J. (2009). Spatial structure and productivity in US metropolitan areas. *Environment and Planning A*, 42: 1383–1402.
 - Miller, Y. David. (2002). *The Regional Governing of Metropolitan America*, Boulder: West View press.
 - Novak, J; Sykora, L. (2007). City in motion: time-space activity and mobility patterns of suburban inhabitants and the structuration of the spatial organization of the Prague